رویدادها

## آخرین بوسه مادر

در حالی ۲ تن از سلبریتی‌های ایرانی خود را مزین به لقب «سفیران صلح» کرده‌اند که برخلاف عامه مردم و برخی هنرمندان هیچ واکنشی نسبت به فاجعه نسل‌کشی میانمار نداشتند اما در این میان محمدحسین مهدویان، کارگردان ماجرای نیمروز با دیدن تصویری متاثرکننده از مادر میانماری، برای بار چندم نسبت به این نسل‌کشی واکنش نشان داد و نوشت: «این آخرین بوسه یک مادر روهینگیایی است بر چهره فرزندش. مادری که هنگام فرار به دلیل واژگونی قایق پاره تنش را برای همیشه از دست داد. اصلا نمی‌دانم چه توضیح دیگری لازم است».

■■■

## «هویدا در تلویزیون»

مستند سریالی «هویدا» به کارگردانی مصطفی شوقی که از تازه‌ترین محصولات خانه مستند انقلاب اسلامی است از روز گذشته (شنبه) روی آنتن شبکه مستند رفت. به گزارش ایسنا، در این مستند ۴ قسمتی با استفاده از آرشیو پخش‌نشده سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی، تصاویری از وضعیت کشور پیش از انقلاب و شکل‌گیری موج انقلاب به نمایش درمی‌آید. مستندساز با سوژه کردن امیرعباس هویدا به عنوان یکی از تأثیرگذارترین افراد در رژیم پهلوی دوم، توانسته است به اعماق ریشه‌های ناکارآمدی این رژیم ورود کند و زمینه‌های نارضایتی مردم از آن را به تصویر بکشد. یکی دیگر از موضوعاتی که در این مستند به آن پرداخته می‌شود ماجرای اعدام هویدا پس از انقلاب است و با مصاحبه با افراد دخیل در دادگاه‌های انقلاب از جمله نزدیکان مرحوم خلخالی، هادی غفاری و... تلاش می‌کند پرده از این ماجرای مبهم بردارد. مستند «هویدا» به کارگردانی مصطفی شوقی در خانه مستند انقلاب اسلامی تهیه شده که در روزهای دوشنبه، چهارشنبه و شنبه هفته آینده، رأس ساعت ۲۰ از شبکه مستند سیما به نمایش درمی‌آید.

■■■

## «مسافران جاده‌های سرد» منتشر شد

رمان «مسافران جاده‌های سرد» به قلم مجید محبوبی از سوی نشر کتابستان معرفت منتشر شد. به گزارش مهر، انتشارات کتابستان معرفت رمان «مسافران جاده‌های سرد» اثر مجید محبوبی را که دومین داستان بلند از این نویسنده به شمار می‌رود و با تم حوادث رقم خورده توسط گروه‌های ضدانقلاب پس از پیروزی انقلاب اسلامی نوشته شده است روانه بازار کتاب کرد. مجید محبوبی درباره این داستان بلند گفت: این کتاب روایتی است از زندگی پسربچه‌ای که در روزهای ابتدایی انقلاب اسلامی و درگیری‌های کردستان و آذربایجان غربی با خروج مادر و خواهرش از منزل به دلیل اختلاف نظر با پدرش روبه‌رو می‌شود. به دنبال این اتفاق پدر و پسربچه به دنبال یافتن رد و نشانی از مادر به راه می‌افتند و در مسیر جست‌وجو هر دو به دست اشرار ضدانقلاب دستگیر می‌شوند... رمان «مسافران جاده‌های سرد» را نشر کتابستان معرفت با قیمت ۱۰ هزار تومان منتشر کرده است.

■■■

## راه‌اندازی «باشگاه فیلمنامه‌نویسان جوان»

سازمان سینمایی حوزه هنری به منظور تقویت و توسعه بسترهای مناسب برای جذب و حمایت از استعدادهای جوان فیلمنامه‌نویس در نظر دارد «باشگاه فیلمنامه‌نویسان جوان» را راه‌اندازی کند. به گزارش سوره سینما، روابط عمومی سازمان سینمایی حوزه هنری با اعلام این خبر افزود: به منظور سیر مقدماتی شکل‌گیری باشگاه، پاتوق فیلمنامه با هدف بررسی ساختار فیلمنامه‌ای آثار سینمایی طرح‌ریزی و اجرایی شده است. بر پایه این خبر، در این پاتوق‌های هفتگی که ورود برای تمام علاقه‌مندان فیلمنامه‌نویسی و داستان‌پردازی آزاد است، پس از نمایش فیلم‌ها به نقد فنی نوشتاری داستان پرداخته می‌شود و فیلم‌ها از لحاظ متن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. همچنین در کنار نمایش فیلم و نقد آن هر چند جلسه یکبار، «کارگاه ایده تا طرح» در قالب پاتوق برگزار می‌شود که در آن شرکت‌کنندگان به ایده‌پردازی و طرح‌نویسی می‌پردازند. در این کارگاه‌ها، از ایده‌ها و طرح‌های برتر حمایت می‌شود. از دل پاتوق‌های هفتگی فیلمنامه، اقدام به عضوگیری برای باشگاه فیلمنامه‌نویسان جوان می‌شود که زیر نظر مرکز تولید متن سازمان سینمایی حوزه هنری مشغول به کار است.

### نگاهی به شعر «علیرضا قزوه» به بهانه انتشار «کلماتم باران می‌بارد»

# شهادتین شاعرانه در بارش کلمات

عکس: ابراهیم حیدری/وطن امروز

**حسام آبنوس:** «علیرضا قزوه» نامی آشنا در شعر انقلاب اسلامی است. او را باید شاعر درد و اعتراض نامید. شاعری که با شعر اعتراض «مولا ویلا نداشت» به شهرت رسید و هنوز هم این شعر از این شاعر از جمله مشهورترین شعرهای اعتراض تاریخ شعر انقلاب اسلامی است. او در عرصه شعر بر شاعران بسیاری تاثیر گذاشت. نمی‌توان فراموش کرد که او در قالب‌های مختلف دست به سرایش زده که این نشان‌دهنده تسلط این شاعر بر قالب‌های شعری مختلف است. قزوه همواره «هم شعر خوب گفته» و «هم خوب شعر گفته» و تعداد آثار و حجم آثار منتشر نشده او که در مناسبت‌های مختلف مذهبی، اجتماعی و سیاسی مطرح شده خبر از شاعری فعال و پویا می‌دهد که در شعر دستش پر است.

«از نخلستان تا خیابان» (۶۸)، «شبلی و آتش» (۷۳)، «این همه یوسف» (۷۶)، «عشق علیه‌السلام» (۸۴)، «با کاروان نیزه» (۸۴)، «صبح بنارس» (۹۱) و بتازگی مجموعه شعر سپید «در کلماتم باران می‌بارد» (۹۶) دفاتری است که از این شاعر متعهد روانه بازار کتاب شده است. به بهانه تازه‌ترین دفتر شعر این شاعر نگاهی به شعر علیرضا قزوه داشته‌ایم.

بی‌شک و به گواه صاحبنظران عرصه شعر، علیرضا قزوه یکی از شاخص‌ترین غزل‌سرایان ۳ دهه اخیر است که با نگاهی به غزل‌های این شاعر به این مساله پی می‌بریم اما در دهه ۶۰ این شاعر با چند شعر سپید در محافل ادبی مطرح شد که معروف‌ترین آنها شعر «مولا ویلا نداشت» از دفتر «از نخلستان تا خیابان» است. این شعر با درونمایه اعتراضی و اجتماعی توجه خوانندگان را به خود جلب کرد. او در این شعر و دیگر اشعار همین دفتر مسائلی را در دهه اول انقلاب اسلامی طرح کرد که سبب شد باب جدیدی در اعتراض گشوده شود. او به عنوان شاعری مسلمان و انقلابی دست به اعتراض با زبان هنر و شعر زد و به این طریق اعلام کرد شاعران انقلاب همواره باید آرمان‌ها را فریاد بزنند و مانع ایجاد انحراف شوند. کاری که قزوه در «از نخلستان تا خیابان» انجام داد سنگ بنایی را گذاشت تا شاعران آرمانخواه انقلاب اسلامی همچنان در آن مسیر گام بردارند. او مانند یک قطب‌نما در فضای شعر به جوانان راه را نشان داد و مسیر را روشن کرد. او البته آرمانخواهی را با انحصارطلبی مساوی ندانسته و تلاشش این بوده که در اشعارش «حق» را فریاد بزند، با نگاهی به اشعار این شاعر می‌توان پی به این موضوع برد که همواره فریاد حق‌طلبی علیرضا قزوه در ادوار مختلف سیاسی که جریان‌های گوناگون منتسب به راست و چپ روی کار بوده‌اند، بلند بوده و او دست از موضع خود برنداشته و هرگاه کژی دیده ساکت نمانده است.

«بیا به آفتابی نهج‌البلاغه برگردیم
چرا نهج‌البلاغه را جدی نمی‌گیریم؟
مولا، ویلا نداشت
معاویه کاخ سبز داشت
پیامبر به شکمش سنگ می‌بست
امام سیب‌زمینی می‌خورد
البته به شما توهین نشود
پیش از آنکه بر من حد تهمت جاری کنید
من بر خویشتن حد وجدان جاری کرده‌ام
من دو شاهد عادل دارم
قرآن و نهج‌البلاغه
من چاپلوس نیستم
تملق‌نمی‌گویم
اما قدر امام را می‌دانم
بیایید قدر مردم را بدانیم
بیایید مثل مولا با مردم همدردی کنیم
بیایید امام را اذیت نکنیم
بیایید امام را نصیحت نکنیم».

شاعر «مولا ویلا نداشت» که همواره در برهه‌های مختلف زمانی و اجتماعی، زبان شعر، شمشیرش بوده تا ناراستی‌ها را نشان دهد و آنها را بنوازد، در آستانه آغاز پنجمین دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، با انتشار دفتری جدید از اشعار سپیدش باز هم پا در میدان شعر گذاشته تا مسائلی را متذکر شود.

مجموعه شعر سپید «در کلماتم باران می‌بارد» که از سوی انتشارات شهرستان ادب منتشر شده، نخستین پیامی که به خواننده ارسال می‌کند این است که علیرضا قزوه این بار هم می‌خواهد نکاتی را گوشزد کند. تجربه سال‌ها رو در رو شدن با شعر این شاعر این خبر را می‌دهد که هنگامی که علیرضا قزوه سراغ قالب سپید رفته، مساله‌ای نیاز به تذکر دادن داشته و او با اشعار سپیدش درصدد بازگو کردن آنها برآمده است.

این کتاب از ۵۹ شعر سپید تشکیل شده که در ۱۲ شعر از آنها عبارات «واژه» و «کلمه» عنوان شده است. وقتی به اشعاری که این واژگان در آنها آمده‌اند، نگاه می‌کنیم، می‌بینیم شاعر می‌خواهد با خواننده‌اش حرفی بزند و از سر کمبود واژه به انتخاب این عبارات دست نزده است. اگر با فضای شعر کشور بیگانه نباشیم این اشعار قزوه را در واقع در دسته اشعار اعتراض او دسته‌بندی می‌کنیم به این خاطر که در روزگار کنونی با اشعاری روبه‌رو هستیم که ناشاعران به بهانه جذب مخاطب یا به خاطر سیطره فضاهای مجازی قدر واژگان و حتی قلم خود را ندانسته و کلماتی را در شعرشان وارد کرده‌اند که قلم شرم از گفتن آنها دارد. از آنجا که قزوه شاعری متعهد و در روزگار کنونی یکی از معلمان شعر جوان کشور است در این اشعار می‌خواهد گوشزد کند که باید قدر واژگان و کلمات را دانست و آلودگی‌ها را به آنها راه نداد.

«از واژه‌ها بزرگ‌ترینش دریا نیست
اقیانوس‌ها
از واژه‌های کوچک من هستند
بزرگ‌ترین واژه من خداست
بعد مادر
من هم که کوچک همه واژگان خودم هستم».
(صفحه ۵۵)

در این شعر می‌بینید که شاعر واژگانی را در شعر خود آورده که هم از حیث تصویر ذهنی مانند «دریا» و «اقیانوس» بزرگ هستند و هم از حیث تعداد حروف (ا.ق.ی.ا.ن.و.س) اما عنوان می‌کند که اینها بزرگ‌ترین‌ها نیستند و کوچک‌ترین‌ها هستند و بزرگ‌ترین واژگان شاعر، «خدا» و «مادر» است در حالی که از حیث تعداد حروف کمتر از دیگر واژگان هستند. او با این شعر و اشعار دیگری از این نوع نشان می‌دهد جایگاه واژگان باید حفظ شود و هر واژه‌ای اجازه ورود به شعر را ندارد. او حتی خود را در برابر واژگان کوچک می‌شمارد و این نکته را یادآوری می‌کند که شاعر اگر مورد توجه و التفات از منبع غیب قرار نگیرد، نمی‌تواند اشعارش را سامان دهد و این واژگان هستند که از پرده غیب برون می‌افتند و او را در سرودن یاری می‌کنند. او در شعر دیگری خلقت جهان را نوعی «شعر» می‌داند و خداوند را در یک تمثیل شاعرانه، «شاعر» خطاب کرده و با این شعر خواسته به شاعران این هشدار را دهد تا قدر نعمت ذوق و قریحه‌ای را که به آنها اعطا شده بدانند و در هر مسیری خرجش نکنند:

«جهان در ۶ روز به دنیا آمد
و واژه‌های روز نخست
تنها واژه بودند
و واژه‌های روز دوم و سوم
درخت شدند
و واژه‌های روز سوم و چهارم
باران
و واژه‌های روز پنجم
دریا
روز ششم
واژه‌ها به آسمان رفتند
و خدا شش روز شعر نوشت
و جهان
چنین به دنیا آمد».

همچنین شاعر در این دفتر، عبارت «شعر» و «شاعر» را نزدیک به ۲۷ مرتبه تکرار می‌کند و به تعبیری در نیمی از اشعار این مجموعه این واژگان تکرار می‌شود و پربسامدترین کلمات این مجموعه محسوب می‌شوند. شاعر باز هم از به کار بردن این واژگان هدف دارد. او جایگاه شعر و شاعری را نیز به خواننده نشان می‌دهد و با زبان شعرش عنوان می‌کند که اگر شعری از شاعری می‌بینیم که خلاف ارزش‌های انسانی، دینی و ملی ما است آن را به پای شاعر و شعر نگذارید. علیرضا قزوه اینجا نیز با شعرش دست از اعتراض برنداشته و شاعرانی را که با اشعارشان عرصه شعر و شاعری را آلوده کرده‌اند، نواخته است. او برای شعر جایگاه والایی متصور است و این در اشعارش بروز هنرمندانه‌ای دارد.

او در شعر شماره ۵۶ (صفحه۷۴) با زبان شاعرانه نشان داده اگر برای تفنگ که ابزار کشت و کشتار است شعر خوانده شود، عاشق می‌شود و با این شعر به اثر «شعر» اشاره کرده است:

«برای تفنگ شعر می‌خوانم
تا عاشق شود...».

قزوه در شعر دیگری رفتارهای خلاف آمد عادت را نیز نقد کرده، در حالی که بسیاری این نوع رفتارها را شاعری می‌دانند و عنوان «اتفاق تازه» در شعر روی آنها می‌گذارند و یکدیگر را تشویق می‌کنند اما او نشان داده اتفاق‌های تازه‌ای که این روزها از آن سخن گفته می‌شود، در حد وارونه نشستن روی صندلی و عکس گرفتن بی‌دوربین است.

«شاعر یک صندلی خواست
یک کاغذ سپید
بر کاغذ نوشت صندلی
و بر صندلی نوشت کاغذ
و اتفاق تازه خود را جشن گرفت
او امروز می‌خواهد بر عکس
بر صندلی وارونه بنشیند
و عکس بیندازد
بی‌دوربین».

قزوه بارها و بارها از عباراتی مانند شهادتین شاعرانه و مانند این در سخنانش استفاده کرده و با این عبارت برخی از شاعران را به نقد کشیده است. در این مجموعه، خودش شهادتین شاعری گفته و خواننده را با منظورش از این عبارت آشنا کرده و شعر را «باران خدا» بر جان آدمی تشبیه کرده است:

«جادوی شعر نه!
جمبل نه!
جدول نه!
بازی نه!
به اعتقاد من هنوز شعر
از جنس اشهد ان لا اله الا الله است
شهادتین گل سرخ است
شناسنامه اشک است
این روزها گذرنامه‌های جعلی
دلارهای جعلی
و شعرهای جعلی
چقدر زیاد شده است
به اعتقاد من
هنوز شعر
فواره تبسم و درد است
باران خداست
بر جان آدمی».

اما قزوه از بیان مسائل روز در اشعارش نیز غافل نمانده و علاوه بر کنایه زدن به موضوعاتی مانند رونق فضاهای مجازی به مسائل روز جهان اسلام مانند «غزه» و «بیروت» نیز اشاراتی داشته. اشعار پایانی این مجموعه در رابطه با این موضوعات است.

در مجموع باید گفت مجموعه شعر «در کلماتم باران می‌بارد» سروده علیرضا قزوه نوعی موضع‌گیری شاعرانه در قبال مسائل روز ادبی و اجتماعی است. قزوه هرگاه سراغ قالب سپید رفته به نوعی اسلحه اعتراض دست گرفته و می‌توان گفت شعر سپید زبان اعتراض این شاعر انقلابی است.

مستند

### وحید فراهانی، کارگردان مستند «کسرالحدود» مطرح کرد

## نقش آمریکا در شهادت شهید حججی

مستند «کسرالحدود» روایت عملیات جبهه مقاومت در صحراهای شرق سوریه و بازپس‌گیری و پاکسازی اراضی تحت تصرف داعش است. به گزارش تسنیم، وحید فراهانی کارگردان «کسرالحدود» در این باره اظهار داشت: هدف اصلی در این مستند نمایش حماسه فتح صحراهای شرق سوریه بود. بازپس‌گیری این مناطق و امن کردن آن، بزرگ‌ترین پیروزی مقاومت بعد از پیروزی در حلب است که در قالب این مستند به تصویر کشیده می‌شود. در جریان این عملیات حدود ۲۵ هزار کیلومتر مربع از صحراهای شرق سوریه که اهمیت زیادی برای نیروهای مقاومت در سوریه و عراق دارد، آزاد می‌شود. در «کسرالحدود» سعی کردیم تا گوشه‌ای از حماسه‌های تیپ فاطمیون، تیپ حیدریون، رزمندگان ایرانی و ارتش سوریه به تصویر کشیده شود. فراهانی اضافه کرد: تنها جاده‌ای که نزدیک این بیابان‌هاست، جاده بین بغداد و دمشق است که یک طرف آن را آمریکایی‌ها به بهانه حمایت از حریم مرزی اردن اشغال کرده‌اند و اجازه عبور نیروهای مقاومت را نمی‌دهند. در این مستند برای نخستین‌بار رویارویی نیروهای آمریکایی با نیروهای مقاومت به تصویر کشیده می‌شود و همچنین تصاویری از پهپادها وهواپیماهای آمریکایی نمایش داده می‌شود. علاوه بر این، تامین امنیت این جاده یکی دیگر از دلایل اهمیت این عملیات در این منطقه برای نیروهای جبهه مقاومت بود. این کارگردان و مستندساز به حمایت مستقیم و غیرمستقیم نیروهای آمریکایی در شناسایی پایگاه مقاومت در این منطقه و شهادت شهید قمی و شهید حججی اشاره کرد و گفت: یکی دیگر از نکاتی که در این مستند نشان داده می‌شود مربوط به کمک‌های آمریکایی‌ها در شناسایی پایگاه‌های جبهه مقاومت به داعش است. پایگاه‌های مقاومت زیادی در این منطقه وجود دارد و به همین دلیل پهپادهای آمریکایی در این منطقه رفت‌وآمد دارند و با شناسایی منطقه و رساندن اطلاعات به داعش، کمک اطلاعاتی بزرگی به این نیروها می‌کنند. این موضوع را در مستند نشان دادیم و به کمک تصاویری که رزمندگان از پهپادها گرفته بودند، ضمن اثبات این فرضیه، به نحوه کمک آمریکایی‌ها به نیروهای داعش پرداختیم. در نهایت، همین کمک اطلاعاتی باعث می‌شود تا نیروهای داعش به یکی از این پایگاه‌ها تک بزنند که در آن عملیات ۲ تن از مدافعان حرم ما یعنی شهید قمی و شهید حججی به شهادت می‌رسند. کارگردان مستند «باصبر، زندگی» بیان داشت: باید این را بگویم در عملیاتی که منجر به شهادت شهید قمی و شهید حججی در این منطقه شد، نیروهای مقاومت در حالی که در زمان استراحت شبانگاهی بوده‌اند تا پای جان ایستادگی کرده و تا آخرین لحظه می‌جنگند. کلیپی که داعش از شهید حججی منتشر کرد، تنها بخشی از ماجرا بود چرا که در جریان آن عملیات، ۳-۲ ساعته، داعش تلفات بسیار زیادی را می‌دهد و با رشادت و فرماندهی شهید قمی ضربه سنگینی به آنها می‌خورد. او به سختی‌های کار در این منطقه اشاره کرد و گفت: شرایط کار نظامی در این بیابان‌ها بسیار سخت و طاقت‌فرساست و تنها کارشناسان نظامی درک عملیات و کارکردن در بیابان مسطح، بی‌آب و بدون جان‌پناه را دارند. اکنون این مستند کاملا آماده شده و در روزهای آتی از صدا و سیما پخش خواهد شد. گفتنی است «کسرالحدود» به کارگردانی وحید فراهانی با همکاری بنیاد روایت فتح و خانه مستند انقلاب اسلامی تهیه شده است.

## دکتر سلام با طنز اپوزیسیونی تفاوت دارد

علی صدری‌نیا، کارگردان برنامه دکتر سلام که در روزهای اخیر اجرای جشن ۴ سالگی این برنامه را برعهده داشت، درباره خطوط قرمز دکتر سلام اظهار داشت: «ما برای کارمان یک چارچوب ثابتی در نظر گرفتیم و سعی کردیم آن چارچوب، گفتمان انقلاب اسلامی باشد. اگر جایی را نقد می‌کنیم بر مبنای مصالح کشور آن را ببینیم، چه از این جناح باشد و چه از آن یکی جناح. اگر از کسی هم تقدیر می‌کنیم باز بر اساس همین چارچوب باشد. مثلا اگر کسی کاری در زمینه تولید ملی انجام داده است قابل تقدیر است و تفاوتی نمی‌کند منتسب به کدام جناح باشد. از آن طرف اگر کسی کار برعکسی - مثلا علیه عزت ملی - انجام داده باشد قابل نقد است و باز هم تفاوتی نمی‌کند منتسب به کدام جناح باشد». به گزارش رسانه انقلاب، وی با اشاره به تفاوت دکتر سلام با طنزهای اپوزیسیونی بیان داشت: «چیزی که من در طنزهای اپوزیسیون دیدم این است که مزیت‌شان را به سمت کارهای غیراخلاقی برده‌اند. چون در حرف مستدل و منطقی، سخن جدی‌ای ندارند به این سمت رفته‌اند. شما به طنزهای تولید شده توسط آنها در چند سال اخیر اگر نگاه کنید در همه آنها نمونه‌هایی از تمسخر و مسخره کردن افراد و جریان‌های سیاسی وجود داشته است». صدری‌نیا همچنین درباره انتقاد یکی از شاعران نسبت به گونه طنز دکتر سلام گفت: «بارها و بارها لقب «دکترترین دکتر هفته» که انتقادی‌ترین بخش دکتر سلام است به افراد جناح‌های مختلف داده شده است. بارها پیش آمده است شخصیت‌های هر دو جناح اصولگرا و اصلاح‌طلب، وقتی ما را می‌بینند گله می‌کنند چرا در فلان برنامه به ما آن انتقاد را داشته‌اید. ما تلاش‌مان این بوده بدون نگاه جناحی به سوژه‌ها بپردازیم».

کتاب

### نگاهی به رمان «دخیل عشق» اثر مریم بصیری

## دخیل به عشق دنیای بی‌کلیشه

**فاطمه افتخاری:** همیشه فکر می‌کنم من عاشق‌ترم یا تو؟ معلومه من عاشق‌ترم. من دل بستن رو خوب بلدم رضا اما دل کندن رو نه.

صدای دختر انگار از جایی دور می‌آید. گوش‌های رضا هنوز از موج انفجار سوت می‌کشد. همان انفجاری که پرتش کرده بود طرف میدان مین و سیم‌های خاردار. نمی‌تواند از جایش تکان بخورد و فقط دست چپش به کمک دست راستش می‌آید.

- صدای من رو می‌شنوی رضا؟

- از من دل بکن حوری! من دیگه نمی‌تونم بمونم...

کتاب با این چند جمله آغاز می‌شود و مخاطب وسط ماجرایی پرتاب می‌شود که هیچ از آن نمی‌داند و با گره‌های متعدد تا آخر داستان با نویسنده همراه می‌شود! ماجرا درباره دختری است به نام حوریه که دوران جنگ را در بیمارستان صحرایی گذرانده است و بعد از جنگ نذر می‌کند فقط با یک جانباز ازدواج کند. حالا او ۴۳ سال دارد و مجرد است... . حوریه در یک آسایشگاه جانبازان کار می‌کند و این فرصتی است برای نویسنده تا از روزهای پس از جنگ بگوید، هرچند توصیفات درباره اهالی آسایشگاه گاهی از حد معمول فراتر می‌رود اما بیان خوب این توصیفات و نشان دادن رنج و درد جانبازان به‌گونه‌ای است که مخاطب در انتها حس می‌کند دین ادا نشده‌ای به این یادگاران جنگ دارد. در لابه‌لای ماجرای حوریه شخصیت‌های متعددی وارد داستان می‌شوند که مخاطب کم و بیش در جریان زندگی آنان قرار می‌گیرد، شخصیت‌هایی که می‌توان آنها را نماد قشری خاص از مردم دانست. برای مثال صبوره یکی از خواهران حوریه است که مقهور ثروت خواستگارش شده و با او ازدواج کرده است اما بعد از ازدواج با بی‌بندو باری همسرش و رفاه‌زدگی فرزندانش مواجه است. این فرد می‌تواند نماد افراد تجمل‌گرای جامعه باشد یا برادر حوریه که آنچنان در زندگی مادی خود غرق است که اعتقادات خواهر برایش تمسخرآمیز است می‌تواند نماد افراد مادی‌گرای جامعه باشد، همچنین نویسنده با تعریف شخصیت‌های مقابل هم توانسته است سبک‌های زندگی متنوع را در زندگی هر کدام نشان دهد و با به تصویر کشیدن نتایج زندگی‌ها برای هر کدام از انواع سبک زندگی ارزش خاصی قائل شود. در کنار قهرمان اصلی داستان که خود یک زن است، زنی که با توکل به خدا از سختی‌ها گذر می‌کند و گاهی حتی خود از مشکلات استقبال می‌کند، زنان دیگر نیز نقش محوری دارند به‌گونه‌ای که می‌توان گفت هر زن قهرمان کوچک ماجرای زندگی خود است و درست در مقابل شخصیت‌های مرد داستان که گویی نویسنده مردان را به ۲ دسته تقسیم کرده است؛ جانبازان و افراد جنگ‌دیده که افرادی خوب و موثر و معنوی هستند و بقیه مردها که افرادی دنیاطلب و منفی هستند.

هرچند در این کتاب ماجراهای غیرمعمول و خاص فراوانی وجود دارد اما نویسنده روایات را عقلایی کنار هم چیده که برای خواننده کاملا پذیرفته شده است. مریم بصیری که به مدد تجربه‌های فراوان در امر فیلمنامه‌نویسی هرچند از فضای شهر مشهد دور است اما فضاسازی را نزدیک به واقعیت انجام می‌دهد به طوری که خواننده بعد از حضور و ارتباط واقعی با فضای به تصویر کشیده شده به دنبال نشانه‌هایی از داستان در واقعیت می‌گردد. دخیل عشق هر چند برای جشنواره امام رضا(ع) نوشته شده و محصولی سفارشی با موضوع امام رضا(ع) محسوب می‌شود اما آنطور که باید نمی‌تواند تاثیرات روحی زیارت و ارتباط زائر با امام را نشان بدهد و این ارتباط صرفا به گزارش از المان‌هایی مثل صدای نقاره‌خانه و گنبد و پنجره فولاد خلاصه می‌شود. این کتاب تا به حال با ۳ جلد متفاوت چاپ شده است، هرچند هر ۳ جلد از جذابیت‌های بصری مناسبی برخوردار بوده‌اند و ارتباط نزدیکی با محتوای داستان داشته‌اند اما این تعدد جلد باعث چندپاره شدن مخاطب و فاصله گرفتن مخاطبان جلدهای مختلف از هم می‌شود. علاوه بر این در چاپ اخیر این کتاب شاهد جابه‌جایی اسم شخصیت اصلی داستان و خواهرش هستیم؛ ۲ شخصیتی که تا حدودی مقابل هم تعریف می‌شوند یکی نماد زن معنوی‌گرای جنگ‌دیده است و دیگری زنی که برای پول تن به ازدواج داده است که این می‌تواند زبان مشترک خوانندگان چاپ‌های مختلف این کتاب را با یکدیگر از بین ببرد. در کنار تمام نکات مثبت و منفی کتاب، دخیل عشق از آن دست از کتاب‌های دفاع‌مقدس نیست که از کلیشه‌ها و ماجراهای تکراری صحبت کند. جذابیت‌های داستانی دخیل عشق مخاطب را با خود تا انتها همراه می‌کند. مخاطب با شخصیت‌های داستان زندگی و درد و رنج شادی‌های آنها را خود تجربه می‌کند. دخیل عشق را می‌توان بی‌وقفه تا انتها خواند... اگر کسی به دنبال کتابی است که بخواهد با آن زندگی کند دخیل عشق گزینه مناسبی است.